



# همه چیز همه چیز

نیکولا یون

مترجم: ناز بلامحمدی

رمان

The  
New York  
Times  
bestsellers

دانلود می‌باشد  
نشریون

از این لطف که شما را با خود می‌برد و وجودتان را سوشار از زمین و آسمان می‌کند.  
جهان



ketabtala

# همه چیز، همه چیز

نیکولا یون

مترجم: نازیلا محبی



نشرنون

رمان خارجی



تقدیم به همسرم، دیوید یون، که قلبم را به من نشان داد.  
و به دختر زیبای باهوشم، پتی، که به آن وسعت بخشید.  
بریکولا یون

تقدیم به مهریان مادر و برگانه پسرم  
عزیزترین هاییں که همه چیز مهستند، همه چیز.  
مادر جسم

«او این هم راز من که پسیار ساده است:  
فقط با چشم دل می‌توان خوب دید.  
آنچه اصل است از دیده پنهان است.»  
آتوان دو سنت اگزوپری، شازده کوچولو

## اتاق سفید

من خیلی بیشتر از تو کتاب خوانده‌ام. مهم نیست که چند کتاب خوانده‌ای. من بیشتر خوانده‌ام. باور کن. من وقتیش را داشته‌ام.

در اتاق سفیدم، روی دیوارهای سفید اتاقم، بر روی قفسه‌های کتاب سفید براقم، فقط جلد‌های کتاب است که به محیط رنگ می‌دهد. همه کتاب‌ها جلد سخت کاملاً نو دارند (هیچ کتابی با جلد مقواپی دست دوم و آلووده به میکرب ندارم). کتاب‌ها بعد از ضدغونی شدن و پیچیده شدن در لفاف پلاستیکی ای که بدون دخالت دست در خلا رویشان کشیده شده، به دستم می‌رسند. دلم می‌خواهد دستگاهی را که این کار را انجام می‌دهد ببینم. تک‌تک کتاب‌ها را در حالی که روی نوار سفید متحرکی راهی محفظه‌های سفید چهارگوش می‌شوند، مجسم می‌کنم. در محفظه‌ها دست‌های سفید آدم‌های ماشینی کتاب‌ها را گردگیری و لکه‌گیری می‌کنند و با اسپری دارو می‌پاشند یا یک جورهایی میکربزدایی می‌کنند تا جایی که بالآخره متقادع شوند که به قدر کافی تمیز شده تا به دست من برسند. هر وقت کتاب تازه‌ای از راه می‌رسد، اولین کارم باز کردن بسته‌هاست، فرایندی که با قیچی و دست کم یک ناخن شکسته سروکار پیدا می‌کند. کار بعدی ام نوشتن اسمم داخل جلد کتاب است.

متعلق به: مادلین ویتی<sup>۱</sup>

نمی‌دانم چرا این کار را می‌کنم. به جز مادرم که هرگز کتاب نمی‌خواند و به جز پرستارم، کارلا، کسی اینجا نیست (که او هم چون تمام وقتیش را صرف مراقبت

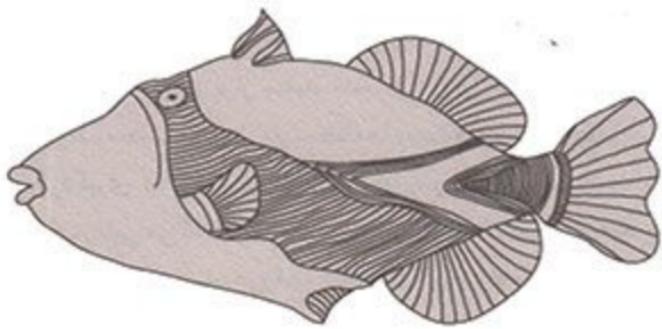
از جان من می‌کند، وقتی برای خواندن ندارد). به ندرت کسی به دیدنم می‌آید و بنابراین کسی نیست که کتاب‌هایم را به او امانت بدهم. کسی نیست تا لازم باشد به او یادآوری کنم کتاب فراموش شده روی قفسه کتابش مال من است. مژده‌گانی به یابنده (همه موارد درخواستی را علامت بزنید):

این بخش از کار بیشتر از هر چیز دیگری وقتی را می‌گیرد و در مورد هر کتاب غاییرش می‌دهم. گاهی مژده‌گانی‌ها تخيیلی است:

بیکنیک با من (مادلین) در یک دشت پر از شقایق، زنبق و یک عالمه گل همیشه‌بهار ساکنان کره ماه در زیر آسمان آبی صاف تابستان.

نوشیدن چای با من (مادلین) در یک فانوس دریابی میان اقیانوس اطلس و در دل طوفان.

غواصی با من (مادلین) از ملاکیتی<sup>۱</sup> تا منطقه ماهیان رنگارنگ هاوایی<sup>۲</sup> (هیوم یوهیوم یانیوک یوب وایا).



- 
۱. man-in-the-moon marigolds گونه‌ای از گل‌های همیشه‌بهار و اشاره به یک نمایشنامه امریکایی اثر بل زیندل و فیلیس با همین نام.
  ۲. Molokini یک دهانه آتششانی هلالی شکل در جزیره ماوی در بین جزایر هاوایی که غواصی در آن از بزرگترین تفریحات توریست‌هاست.
  ۳. The hawaiian state fish: trigger fish یا همان رنگارنگی با بدنسی پهن که مخصوص آب‌های هاوایی و از جاذبه‌های غواصی جزایر هاوایی هستند.
  ۴. Humuhumunukunukuapua'a: triggerfish گونه‌ای از ماهیان رنگارنگ آب‌های هاوایی.

گاهی مژدگانی‌ها چندان هم تخیلی نیستند:  
سرزدن به یکی از کتابفروشی‌های کتاب‌های دست‌دوم  
به همراه من (مادلین).

قدم زدن در کنار من (مادلین) تا انتهای ساختمان و برگشت.  
گفت‌وگوی کوتاه با من (مادلین) درباره هر موضوعی که  
بخواهید، روی کانایه سفید اتاق خواب سفید رنگم.

گاهی مژدگانی فقط این است:  
من (مادلین).



نایاب اول پیروز و هنری نویسنده کتاب  
بردهای جلیقه افتادت نسل جهان اکنون  
کتاب، بزرگ نمایه کودکانه ۲۰۱۵



# Everything, Everything

Nicola Yoon

Persian Translator:  
Nazila Mohebbi



از اینجا راه رفته‌ام گردید، از اینجا خوشی بستمیده از اینجا  
اصله در این منظر فرسنی که بیش اندیرون رفته از  
آنکه می‌دانم شدم از اینکه خاتمه  
آن شدم حالاً آنکه می‌دانم همه آن خوبها را از نسبت  
دیگران خودم من یادم نداشتم غصه‌وار بایان دنیا به  
کنم اینسته‌ها بور را می‌بینم و می‌خواهم کنم بخواهم اما  
دوست در چشم خودم نداشتم اما نیز نداشتم غصه‌وار این  
که از جنس‌خواهی‌اش بوج می‌خواستم از سرمه  
هر ساره بسی را بدانم نمی‌دانم من سرم که می‌خیزیم آبی‌لایقون‌زاده و دست‌خواه  
این دوست داشتن کسی به همان بخت که می‌دانم من را نمی‌توانم  
نایاب نسخه‌های کتاب اندیرون و می‌دانم بیوین یوسف، بیوین  
استخوان و بیوین بیوین مخاطبان بلند

علقی چیز و حنستانی ایست و از دست داشت از آن هم بدیر است.

حسنه زرس

دل می‌شاند این کتاب خوب است این کتاب این بودن بخوبی خوش افتخار  
حالم‌گرانی امریکانی از اندیون انتشاری در سال ۲۰۱۵ با استقبال خوب  
حوالده‌گران و مسلمان مواجه شده است و ۷- ۸ هفته در معرض  
لست کتاب‌های فروشنده‌ای از کتابخانه ای از رسانه‌ها

هزار

هزار

هزار رمان این خوب است که می‌دانم این  
هزار همانند کتاب اول در شهر است نموده که تاکنون ناچار از  
می‌دانند کتاب‌های برخروش فرار کرده و ترجیحه قارئی

آن سر

در ایران

بالستیک

روزنه و بوده است.



ISBN: 978-8800-8740-13-1

786008 740131



نوون ناشر

NOON PUBLISHER

@NOONBOOK